

ب- إن النص والوصية قد ذكر:

ب- نص و وصیت ذکرشده است:

العجلوني: [3187- يا علي ادع بصحيفة ودواة فأملی رسول الله صلى الله عليه وسلم وكتب علي وشهد جبريل ثم طويت الصحيفة. قال الراوي: فمن حدثكم أنه يعلم ما في الصحيفة إلا الذي أملاها وكتبها وشهدها فلا تصدقوه فعل ذلك في مرضه الذي توفي فيه] كشف الخفاء: ج ٢ ص ٣٨٣.

9- عجلونی: 3187- ای علی صحیفه و دواتی بیاور. رسول الله (ص) املا (و) دیکته) می کرد و علی (ع) می نوشت و جبرئیل شاهد بود. بعد صحیفه بپیچیده شد. راوی می گوید: هر فردی به شما گفت که محتوای صحیفه را می داند، او را تصدیق نکنید، مگر فردی که آن را املا نمود و فردی که آن را نوشت و فردی که شاهد آن بود. (پیامبر (ص)) این کار را در بیماری ای که در آن وفات نمود، انجام داد. (کشف الخفاء: ج ٢ ص ٣٨٣)

الزرندي الحنفي والقندوزي: [عن إبراهيم بن شيبه الأنصاري قال: جلست إلى الأصبع بن نباته فقال: ألا أقرء عليك ما أملاه علي بن أبي طالب رضي الله عنه؟ فأخرج لي صحيفة فيها مكتوب: بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما أوصى به محمد رسول الله (ص) أهل بيته وأمه، أوصى أهل بيته بتقوى الله، ولزوم طاعته وأوصى أمته بلزوم أهل بيته، وان أهل بيته يأخذون بحجزة نبيهم (ص) وان شيعتهم أخذون بحجزة يوم القيامة، وإنهم لن يدخلوكم في باب ضلالة، ولن يخرجوكم من باب هدى] نظم درر السمطين: ص ٢٤٠، ينابيع المودة: ج ٢ ص ٣٦٥.

10- زرندی حنفی و قندوزی: ابراهیم ابن شیبه انصاری می گوید: نزد اصبع بن نباته نشستیم. ایشان گفت: آیا آنچه را بر علی بن ابی طالب (رض) املا شد، برایت بخوانم؟ (اصبع) برای من، صحیفه ای بیرون آورد که در آن نوشته بود: بسم الله

الرحمن الرحيم. این وصیتی است که محمد رسول الله (ص) با آن به خانواده و امتش، وصیت می‌کند. خانواده‌ی خود را به تقوای الهی و اطاعتِ همیشگی نمودن از او، و امت خود را به همراه بودن با خانواده‌اش سفارش می‌کند. خانواده‌ی ایشان، دنباله‌ی پیامبر (ص) را می‌گیرند، شیعیان ایشان در روز قیامت، دنباله‌ی ایشان را می‌گیرند؛ آنها شما را وارد گمراهی نمی‌کنند و شما را از هدایت بیرون نمی‌آورند. (نظم درر السمطین: ص ۲۴۰ ؛ ینایع الموده: ج ۲ ص ۳۶۵)

و عنه أيضاً: [روی ابن عباس قال: دخلت على عمر في أول خلافته ... قال: من أين جئت يا عبد الله؟ قلت: من المسجد قال: كيف خلفت ابن عمك؟ فظننته يعني عبد الله بن جعفر قلت: خلفته يلعب مع أترابه قال: لم أعن ذلك إنما عنيت عظيمكم أهل البيت، قلت: خلفته يمتح بالغرب على نخیلات من فلان ویقرأ القرآن، قال: یا عبد الله عليك دماء البدن إن کتمتئیها هل بقي في نفسه شيء من أمر الخلافة؟ قلت: نعم قال: یزعم أن رسول الله (صلى الله عليه وسلم) نص عليه قلت: نعم وأزیدك سألت أبي عما يدعيه فقال: صدق. فقال عمر: لقد كان من رسول الله (صلى الله عليه وسلم) في أمره ذرو من القول لا یثبت حجة ولا یقطع عذراً، ولقد كان یزیغ في أمره وقتاً ما، ولقد أراد في مرضه أن یصرح باسمه فمنعت من ذلك إشفاقاً وحيطة على الاسلام لا ورب هذه البنية لا تجتمع علیه قریش أبداً] شرح نهج البلاغة: ج ۱۲ ص ۲۰.

11- زرنندی حنفی و قندوزی: ابن عباس می‌گوید: در اوایل خلافت عمر نزد او رفتم.... گفت: ای عبدالله (لقب ابن عباس) از کجا می‌آیی؟ گفتم: از مسجد. گفت: وقتی از نزد پسر عمویت می‌آمدی، مشغول چه کاری بود؟ (ابن عباس می‌گوید: ) فکر کردم منظور او عبدالله بن جعفر است، گفتم: او مشغول بازی با هم سن و سال هایش بود. (عمر) گفت: منظورم او نبود، بلکه منظورم بزرگ خانواده‌ی شما بود؟ (ابن عباس می‌گوید: ) گفتم: در غرب، برای نخل‌های فلانی از چاه آب می‌کشید و قرآن می‌خواند. (عمر) گفت: ای عبدالله، اگر دروغ بگویی، خونت را می‌ریزم. آیا در دلش چیزی از موضوع خلافت مانده است؟ (ابن عباس می‌گوید: ) گفتم: بله. (عمر) گفت: علی

گمان می‌کند که رسول الله (ص) بر جانشینی او نص (وصیت) نموده است؟ (ابن عباس می‌گوید: ) بله. مطلب بیشتری به تو بگوییم؛ از پدرم در مورد ادعای او پرسیدم، (پدرم) گفت: علی راست می‌گوید. عمر گفت: رسول الله (ص) در مورد او سخنانی داشته است که مطلبی را ثابت نمی‌کند و باعث معذور شدن نمی‌شود. پیامبر (ص) در مورد مسأله‌ی علی مدتی دچار شک شد. در بیماری‌ای که به مرگش انجامید، قصد داشت نام علی را بگوید، ولی من به خاطر دل‌سوزی و اهتمام بر اسلام، ایشان را از این کار بازداشتیم. به پروردگار این خانه قسم، قریش هیچ وقت بر او اجتماع نمی‌کردند. (شرح نهج البلاغه: ج ۱۲ ص ۲۰)